

نصیری؛ باسابقه ترین رئیس ساواک

۱۶ خرداد ۱۳۹۴ ساعت ۱۷:۴۸

روز ۱۶ خرداد ۱۳۵۷ ارتشبد نعمت الله نصیری از ریاست ساواک برکنار و به سمت سفیر رژیم شاه در پاکستان منصوب شد. این برکناری و آن انتصاب بخشی از جابجائیها و عزل و نصب های هدفمندی است که در سال ۱۳۵۷ از سوی رژیم شاه باهدف مهار انقلاب و فرونشاندن اعتراضات مردمی صورت گرفت

در میان چهره هایی که در حکومت پهلوی دوم ، مولد نارضایی مردم بودند نصیری یک شاخص محسوب می شد. او در راس ساواک مسئول بسیاری از جنایات علیه مردم در نیمی از سالهای حکومت شاه بود.

نعمت الله نصیری فرزند محمد در مرداد ۱۲۸۹ در بخش سنگسر از توابع سمنان به دنیا آمد. دوران تحصیلات ابتدایی را در سمنان سپری کرد و دوره متوسطه را در مدرسه نظام در تهران گذرانید و در ۱۳۱۱ش. در رشته پیاده نظام وارد دانشکده افسری شد و در ۱۳۱۳ با درجه ستوان دومی فارغ التحصیل شد. نصیری در دوره تحصیل در دانشکده افسری، هم دوره محمدرضا پهلوی و در آغاز به فرماندهی همان گروهانی منصوب شد که ولیعهد در آن خدمت می کرد. نصیری در سالهای بعد به عنوان فرمانده دسته مسلسل سنگین، فرمانده دسته و گروهان دانشکده افسری، معاون دانشکده تکمیلی، فرمانده گروهان ۲ هنگ ۱۸ کرمان، فرمانده گردان مستقل سیرجان، فرمانده گردان پیاده دانشکده افسری، فرمانده دوره تکمیلی و معلول رشته پیاده نظام دانشکده افسری، رئیس ستاد دژبان مراکز و فرمانده دانشکده پیاده بوده است. وی با درجه ستوان یکمی به دانشکده افسری منتقل شد و به سمت فرمانده رشته یکم گروهان دوم منصوب شد. سپس فرماندهی گروهان اول تهیه را در دانشکده افسری به دست گرفت و پس از مدت کوتاهی به شعبه دروس منتقل شده و در دایره امتحانات مشغول شد. سپس با ارتقاء به درجه سرگردی به کرمان رفت و با درجه سرهنگ دومی فرمانده هنگ پیاده کرمان شد. نعمت الله نصیری در ۱۳۲۸ به فرماندهی هنگ آموزشی منصوب شد. این هنگ جمعی لشکر یک به فرماندهی سرتیپ حسین منوچهری معتمد گرجی (آریانا) بود و ریاست ستاد آن را تیمور بختیار برعهده داشت. نصیری تا ۱۳۳۰ در این سمت باقی بود. در این زمان شاه که از عملکرد سرهنگ امیرقلی ضرغام فرمانده گارد سلطنتی رضایت نداشت، از سرهنگ دوم حسین فردوست، از دوستان دوران کودکی و فرمانده گارد جاویدان، خواست تا فرد مناسبی برای فرماندهی گارد سلطنتی معرفی کند. او نیز سرهنگ نصیری را که وفادار به شخص شاه بود معرفی کرد، بدین ترتیب سرهنگ نعمت الله نصیری در ۱۳۳۰ در رأس گارد سلطنتی قرار گرفت.

هنگامی که نصیری به فرماندهی گارد سلطنتی منصوب شد، محمد مصدق نخست وزیر بود. نعمت الله نصیری وفاداری بدون چون و

چرای از شاه و دربار داشت و در اختلاف بین دولت و دربار از دربار و شخص شاه حمایت می کرد. با این احوال تنها از ۲۵ مرداد ۱۳۳۲، که از طرف شاه مأمور ابلاغ فرمان عزل مصدق انتصاب فضل الله زاهدی شد، نام او در محافل سیاسی به گوش رسید. نصیری در شامگاه ۲۴ مرداد و سحرگاه ۲۵ مرداد ۱۳۳۲، بر اساس طرحی پیش‌بینی شده، ابتدا فرمان انتصاب زاهدی را به نخست‌وزیری که به دست شاه امضاء شده بود، در مخفی‌گاهش در اختیاریه تهران به او رسانید و سپس در رأس گروهی از واحدهای نظامی تحت امرش روانه خانه مصدق شد تا فرمان عزل او را ابلاغ کند. در همان حال واحدهای دیگری از وفاداران به دربار و عوامل کودتا برخی وزیران دولت را دستگیر کرده و خود را مہیای اقدامات بعدی بر ضد مصدق کردند. درخواست نصیری برای ملاقات حضوری با مصدق (در نخستین ساعت بامداد روز ۲۵ مرداد ۱۳۳۲) از سوی نخست‌وزیر رد شد و سرهنگ ممتاز رئیس گارد حفاظت منزل مصدق پاکت سر به مهر حاوی فرمان شاه را از نصیری گرفته و تسلیم نخست‌وزیر کرد. مصدق پس از اطلاع از محتوای پاکت، ضمن یادداشتی موضوع دریافت فرمان شاه را تأیید کرد و در همان حال به سرهنگ ممتاز دستور داد نصیری و همراهانش را بازداشت کند.

نصیری و نیروهای نظامی تحت فرمانش روانه زندان شدند و در همان حال آشکار شد که کودتایی بر ضد دولت در حال شکل‌گیری است. کودتاگران در تهران و نیز شخص شاه در کلاردشت با نگرانی به نتیجه مأموریت نصیری چشم دوخته بودند. در ساعت ۷ صبح روز ۲۵ مرداد ۱۳۳۲، رادیو بیانیه‌ای از سوی هیئت دولت قرائت کرد که نشان می‌داد، دولت، نصیری حامل فرمان شاه را مبنی بر عزل مصدق از نخست‌وزیری و انتصاب زاهدی به این مقام، دستگیر و روانه زندان کرده و کودتای در دست اقدامی را خنثی نموده است. شاه با شنیدن این خبر کلاردشت را به سوی رامسر و سپس بغداد و رم ایتالیا ترک کرد. شاه در آخرین روز مرداد ۱۳۳۲ وارد تهران شد و به دنبال آن بازداشت‌شدگان روزهای ۲۵ تا ۲۸ مرداد و از جمله سرهنگ نصیری فرمانده گارد سلطنتی آزاد شدند. نصیری پس از کودتا مورد تفقد قرار گرفت و با ارتقاء به درجه سرتیپی در فرماندهی گارد سلطنتی (شاهنشاهی) ابقاء شد. نصیری دو بار ازدواج کرد. نخستین بار در دوره فرماندهی بر گارد شاهنشاهی با پروین خواجوی که مادری آلمانی داشت ازدواج کرد و پس از چند سال او را طلاق داد. در حالی که گفته می‌شد شاه و فرح قصد داشته‌اند فریده دیبا - مادر فرح - را نامزد زناشویی با نصیری کنند، او با دختر جوان سرهنگ خلوتی (زلیخا) ازدواج کرد و از او دو فرزند ذکور یافت و این ازدواج تا پایان عمر نصیری دوام یافت و از ثروت و مکنت هنگفتی که نصیری به خارج از کشور منتقل کرده بود، زن و فرزندانش زندگی متمولانه‌ای در اروپا (پاریس) از سر گرفتند. زلیخا خلوتی - همسر نصیری - نیز پس از اعدام او دو بار ازدواج کرد. از قبل نصیری خانواده و بستگان او نیز از مواهب بسیاری برخوردار شدند. به دلیل نفوذ نصیری، سمنان از شهری دور افتاده، به مرکز استان تبدیل شد. برخی آشنایان، دوستان و بستگان او در سنگسر و سمنان موقعیتهای مطلوب‌تری یافتند، به طوری که هژبر یزدانی - سرمایه‌دار معروف سنگسری - با حمایت‌های نصیری، به موقعیت بلامنازعی دست یافت. نصیری علاوه بر فرماندهی گارد شاهنشاهی، به سمت معاونت ژنرال آجودانی شاه منصوب شد و در آذر ۱۳۳۹ به ریاست شهربانی کل کشور رسید و تا بهمن ۱۳۴۳ که به ریاست رسید، در این مقام باقی بود. نصیری در ۱۳۴۱ به درجه سپهبدی رسید و از خرداد سال ۱۳۴۲ علاوه بر ریاست شهربانی کل کشور، فرماندار نظامی تهران و حومه شد. نصیری در دوره پهلوی دهها نشان داخلی و خارجی نیز گرفته است. نصیری در دوران ریاست شهربانی با برخی تغییر و تحولات مدیریتی و اداری و گماردن افراد ناشایست در رأس دوایر مهم موجبات نارضایتی بسیاری از افسران و نظامیان شاغل در شهربانی را فراهم آورد. ریاست نصیری بر شهربانی کل کشور (۱۳۳۹ - ۱۳۴۳)

همزمان با آغاز نهضت امام خمینی بود. نصیری در مقام فرماندهی شهربانی کل کشور، در سرکوب مخالفتها، نقش مهمی داشت. در حالی که عملکرد ساواک به ریاست پاکروان در مقابله با مخالفان حکومت، رضایت شاه را فراهم نمی کرد، نصیری در ریاست شهربانی کل کشور مهره دلخواه شاه در سرکوب مخالفان بود.

بر همین اساس در آستانه قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، نصیری علاوه بر ریاست شهربانی کل کشور، فرماندار نظامی تهران و حومه شد تا در سرکوب مخالفتها با فراغت بال و امکانات بیشتری داشته باشد. نصیری در عین حال با ساواک و ژاندارمری نیز رقابت داشت و شاه از عملکرد او راضی بود، بر همین اساس نیز پس از ترور حسنعلی منصور، شاه، پاکروان را از ریاست ساواک برکنار و نعمت‌الله نصیری را به عنوان معاون نخست‌وزیر و رئیس ساواک معرفی کرد.

ساواک بخش اعظمی از اشتهاش را به به جنایتکاری مرهون دوران طولانی ریاست نصیری بر این سازمان است. هنگامی که نصیری در رأس ساواک قرار گرفت، عملکرد غیرانسانی این سازمان در دوران ریاست چهار و نیم ساله تیمور بختیار به تدریج به دست فراموشی سپرده شد. در دهه ۱۳۴۰ ارتشبد حسین فردوست کماکان قائم مقام ساواک بود که به ندرت با نصیری دچار اختلاف می شد. نصیری جز وفاداری مطلق به شاه نقش دیگری در مدیریت، سازماندهی و تصمیم‌های مهم ساواک نداشت و اعتقاد تردیدناپذیر او در برخورد خشن با مخالفان از دلایل حضور طولانی‌اش در رأس ساواک بود. ساواک در دوره ریاست نصیری منفورتر شد و او در برخورد با مخالفان هیچ مدارایی تجویز نمی کرد. کمیته مشترک ضدخرابکاری در آستانه دهه ۱۳۵۰ در دوران ریاست نصیری تأسیس شد و پرویز ثابتی مدیرکل اداره کل سوم ساواک که همانند نصیری از اهالی سنگسر سمنان و بهایی بود، جایگزین ناصر مقدم شد. از جمله رخدادهای دوران ریاست نصیری بر ساواک قتل بختیار نخستین رئیس ساواک در عراق بود. نصیری این اقدام را به نام خود ثبت کرده و به پاداش آن به درجه ارتشبدی ارتقاء پیدا یافت.

از ویژگیهای نصیری فساد مالی در سطح بسیار گسترده بود. گفته می شد نصیری جز کسب مال و ثروت اندوزیهای نامشروع دل مشغولی قابل توجه دیگری نداشت. بسیاری از معاونین و مدیران ارشد ساواک نیز در کنار وظایف محوله، به تبعیت از نصیری به زد و بندهای اقتصادی مشغول بودند. نصیری، دفتر کارش را در ساواک آشکارا به مرکزی برای انجام معاملات بزرگ اقتصادی تبدیل کرده بود و داراییهای نقدی و غیرنقدی او از صدها میلیون تومان فراتر می رفت. نصیری با سوءاستفاده از مقام خود علناً از صاحبان ثروت و سرمایه و نیز مقامات سیاسی، اخاذی می کرد و در بسیاری از معاملات کلان اقتصادی، تجاری و نیز ساختمان‌سازیها و بورس معاملات زمین و مسکن مشارکت داشت. نصیری در سالهای پایانی حکومت پهلوی بخش اعظمی از داراییهای خود را به خارج از کشور منتقل کرد. اشرف پهلوی خواهر شاه از دوران جوانی با نصیری در ارتباط بود و اشرف نیز تا واپسین دوران ریاست نصیری بر ساواک از او حمایت می کرد. نصیری به رغم وفاداری مثال‌زدنی‌اش به شخص شاه، همواره نگران جایگاهش نزد شاه بود و از این که همکارانش در ساواک و سایر مراجع حکومت گزارشات سوئی از عملکردش در اختیار شاه قرار دهند، در نگرانی دائمی به سر می برد. نصیری نسبت به نگرش سازمان سیا از او نگران بود. نصیری پس از آن که متوجه شد تلفنهای او توسط ساواک شنود می شود نگرانتر شد. او مطمئن بود که این شنودها فقط به دستور شخص شاه و توسط پرویز ثابتی انجام می گیرد. نصیری ثابتی را متهم می کرد که بر ضد او و برای هویدا و فرح جاسوسی می کند. او در واپسین سالهای ریاستش

بر ساواک می‌گفت که قدرت طلبی، شاه را دیوانه کرده است. نصیری پیش‌بینی می‌کرد که در آینده‌ای نه چندان دور شاه او را زندانی و نهایتاً خواهد کشت. نصیری تا واپسین ماههای عمر رژیم پهلوی در ریاست ساواک باقی ماند. اما با گسترش حرکت‌های مردمی، نصیری نتوانست بحران را مهار کند، و عملکرد غیرانسانی وی در ساواک خود موجب گسترش ناآرامیها شد. شاه به ناچار و به دنبال توصیه‌هایی در نیمه خرداد ۱۳۵۷ نصیری را عزل و سپهبد ناصر مقدم را جایگزین او ساخت.

نصیری مدت کوتاهی پس از عزل از ریاست ساواک، سفیر ایران در اسلام آباد پاکستان شد.

گروهی در دولت بر این باور رسیدند که برای جلوگیری از گسترش نارضایتیها چاره‌ای جز دستگیری، بازداشت، محاکمه و مجازات رجال و دولتمردان فاسد وجود ندارد. تصور بر این بود که با این طرح، شاه و حکومت از گناهی که به آنها نسبت داده می‌شد، تبرئه خواهند شد و مجازات گروهی از دولتمردان از دامنه مخالفتها خواهد کاست. در اجرای این طرح نعمت‌الله نصیری از مهمترین سوژه‌هایی بود که دستگیری، بازداشت، محاکمه و مجازات او مورد توجه حکومت قرار گرفت. طرح دستگیری رجال فاسد و بدنام از آغاز نخست‌وزیری شریف امامی طرفداران بسیاری یافته بود و اینک شاه نیز تحت تأثیر مشاورینش آماده بود با قربانی کردن کارگزاران و رجال حکومتی و دولتی برای ادامه سلطنتش تضمین‌هایی به دست آورد. بر همین اساس نصیری تنها چند ماه پس از انتصابش به سفارت ایران در پاکستان، در ۱۶ مهر ۱۳۵۷ به کشور فراخوانده شد و از نخستین روز آغاز نخست‌وزیری ارتشبد غلامرضا ازهاری به همراه ۱۴ نفر دیگر دستگیر و زندانی شد. در آستانه دستگیری نصیری و در ۸ آبان ۱۳۵۷ اعلام جرمی هم در ۱۳ بند بر ضد نصیری تنظیم و در اختیار دادسرای تهران و دادسرای دیوان کیفر قرار گرفت.

در جریان حمله انقلابیون به زندانها و پادگانها، نصیری که به همراه گروهی از رجال و کارگزاران رژیم ساقط شده پهلوی در پادگان جمشیدیه زندانی بود، نظیر سایر زندانیان آزاد و تلاش می‌کرد خود را در بین جمعیت انبوهی که در اطراف پادگان در آمد و شد بودند، گم کرده و جان سالم به در برد. اما به سرعت شناسایی، دستگیر و پس از ضرب و شتم و جراحاتی، در مدرسه رفاه تحویل نیروهای انقلاب شد. نصیری به همراه چند نفر دیگر از فرماندهان نظامی محاکمه شد و در شامگاه روز ۲۶ بهمن ۱۳۵۷ در پشت بام مدرسه رفاه به جوخه اعدام سپرده شد.

یک سند :

دست داشتن تیمسار نصیری در امر قاچاق

سند زیر نقش مشترک تیمسار نصیری رئیس شهرداری حکومت شاه و یک زن ناشناس در امر قاچاق را نشان می‌دهد.

-مظفر شاهی، ساواک، موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی

-آرشو اسناد موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی

منبع: پایگاه جامع تاریخ معاصر ایران

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۳۰۶۰۰/ساواک-رئیس-ترین-جاسا-نصیر>